

نیما یوشیج و شعر نو

اگر چه موضوع اصلی من نیما یوشیج و شعر نو است ولی ابتداء لازم می دانم گذارشی
مختصر از زندگانی نیما را شرح می دهم -

علی اسفندیاری معروف به نیما یوشیج در فصل پاییز سال ۱۲۷۴ هجری شمسی در
دبکده یوش نواتی مازندران چشم به جهان گشود - پدرش ابراهیم خان نوری مرد شجاع بود
و با کشاورزی و گلخانه داری روزگاری گذرانید -

نیما دوران کودکی در دامان طبیعت (nature) و در میان شبانان بسر کرد -

چنانچه خود می گوید:

من خوشم با زندگی کوهپایان
چون که عادت دارم از طفلی بدان
به به از آنجا که ماوای منست
وز سراسر مردم اینست
به به از آن شبهای تار
در کنار گوسفند و کوهسار
به به از آن شورش و بهمه
که بیلتند درگاه گاهی در رمه

بانگ چوپای صدای های های
بانگ زنگ گوسفندان بانگ نای
زندگی در شهر فرساید مرا
صحبت شهری بیاز ارد مرا
خانه من جنگل من کجاست
حالی فر سنگها از من جداست

این شاعر نامدار خواندن و نوشتن در زادگاه خود آموخت و پس از گذراندن دوره دبستان راه سپار به تهران شد. و آنجا برای فرا گرفتن زبان فرانسه به مدرسه سن لوئی رفت - نوشته اند در مدرسه شاگرد خوب نبود بدین است گاه گاه از مدرسه فراری کرد. البته در نقاشی و ورزش سعی خوبی کرد.

در مدرسه یکی از استادان بنام نظام 'وفا' که شاعر نامی بود نیما را در شعر گفتن راهنمایی می کرد. نیما در آن روزگار منظومه ای بنام 'وفا' سرود که استادش هم جواب داد و در حاشیه شعرش رقم نمود ۲

نیما پیش از سال ۱۳۰۹ هجری شمسی به آستارا رفت و در دبیرستان حکیم نظامی به تدریس ادبیات فارسی پرداخت و بعد از دو سال یعنی ۱۳۱۱ هجری شمسی به وطن خود بازگشت نیما در سال ۱۳۱۷ هجری شمسی مدیر مجله موسیقی انتخاب شد. در ایام آخرین بیشتر اوقات را در عزلت صرف کرد، و به اوقات فراغت به تحریر و تصحیح آثار گذشته شغلی داشت و سرانجام در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی در تهران درگذشت.

نیما که سالها مسوده های شعر را خودی انباشت و تبارهای تازه برای شعر فارسی جستجو می کرد برای انتشار بعضی از آثار مجله موسیقی به وی موقعی فراهم کرد. اشعار نیما که

درین مجله انتشار یافت بعضی مثل پیشدیان و برشی تازه اش بودند.

نخستین شعری که از نیما به چاپ رسیده است - "قصه رنگ پریده" است - این منظومه پانصد بیت دارد و شاعر این به چهار ادرقالب مثنوی مولانای روم سروده است - بعد از یکسال قله ای شب در سال هجری ششمی در روزنامه بهشتگی نو بهار منتشر شد - شعر از این همه دو آورده می شوند -

حان ای شب شوم ، حشت انگیز
تا چند زنی به جانم آتش

(ای شب)

بابا ز گذار تا بمیرم
کز دین روزگار سیرم

(قصه رنگ پریده)

شرح عشق شرح ناکامی و درد
قصه رنگ پریده خون سرد
من از این دو نان شهر ستانم
خاطر پر درد کو هستانم

این درست است که در دوره مشروطیت تحولی از نظر موضوع و مضمون در شعر روی در داده بود - ولی این نیما است که اوزان عروضی شعر را می شکند و شعر را از چارچوب سنتی آزادی سازد و رای نو در شعر فارسی می آفریند که به سبک نیما مشهور گردد - اگر چه شاعر موصوف در آغاز سبک راج روزگار به ویژه و به سبک خراسانی شعری گفت بعد از آشنائی به زبان فرانسه و ادبیات آن راه تازه ای در پیش او گذشت و رای تازه در شعر

فارسی گشود.

در شعر نیما چیز نخست به خود جلب می کند دیده تازه او به طبیعت و جهان است و به همین جهت موضوع و مضمونهای در شعر او راه یافته که در آثار دیگران بدان صورت مورد توجه نبوده است. در شعر نیما قافیه وجود دارد یعنی "شعر نیما هم مقتضای است ولی نه آن صورت مکرر و مرتب که در شعر سنتی (classical) رعایت شده است مای توان گوئیم که قافیه در شعر نیما جای ثابت ندارد ولی او وزن و قافیه را ابزارهای لازم و سودمند برای شعر می شمارد.

چون اشاره رفت که نیما کودکی و جوانی در روستا، کوهسار و در دامان طبیعت بسر کرد. در شعرشان نیز این حالت توجه او به انواع درختان، گیاهان، پرندگان، حیوانات و حشرات و به همه موجودات است که اصلاً در اشعار شعرای مغرب زمین دیده می شود. نمونه این نوع اشعار نیما در قفنسوس، و گل مبتاب، دیده می شوند.

قفنسوس، و مرغ خوشخوان، آواره جهان
آواره ماند، ازوش بادهای سرد
برشاخ خیز را بنشسته است فرد
برگرد او بهر سر سانی پرندگان

بک نکته مهم که در شعر نیما می بینیم این است که در شعر سنتی، شاعران بیشتر وقت و همت خودشان را در کار آرایش لفظی و ضاعی بیتها صرف می کنند. اما نیما قالبهای عروضی رایج را می شکند و مصرعها را بلند و کوتاه می کند. در نظری بلند شدن و کوتاه شدن مصرعها بی تفاوت ندارد. اما بهترین و بارزترین ویژگی شعر نیما بدعتی (novelty) است که گویندگان پیش از وی مطرح نشده بودند. به نمونه های این گونه اشعار وی در قطعه ای آدمها آورده می شود.

ای آدمها که بر ساحل نشست شاد و خند آیند
یک نفر در آب می سپارد جان

یک نفر دارد که دست و پای دائمی زند
روی این دریای تند و تیز و سنگین کنی دانید

اماد سرزمین نوآوری نخستین منظومه نیما افسانه است که در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی
منتشر شد. شاعر این منظومه را در صورت مسطره سرانیده است و می توان گفت که خشت
اول در راه شعر نومی باشد. دلی در حقیقت نیما درین ناکامی عشق خود، رنجهای جوانی،
اندوه زندگانی، بی شباتی جهان را بیان و ابرازی کند. در افسانه نیز روزهای گذشته،
مناظر طبیعت منعکس می شود.

عاشق

سالها باهم افسرده بودیم
سالهای همچو و ماندگی
لیک موجی که آشفته می رفت
بودش توبه از لب داستانی

من زدت لب در آن موج لبخند

افسانه

من بر آن موج آشفته دیدیم

یکه تازه ای سراسیمه

نیما پیش از آنکه برای افسانه خودی نویسد "این ساختمان که افسانه می من جا گرفته
است و یک طرز مکالمه می طبیعی و آزاد نشان می دهد شاید برای دفعه اول پسندیده ی
تو باشد و شاید تو آنرا به اندازه من نه پسندی" بے از این رو افسانه را باید نخستین شعر نو پس
از دوره مشروطیت می دانست. این منظومه بدون هیچ شک یکی از عمده ترین منظومه
نیمای باشد که مابیت و اسلوب و خوبیهای گوناگون مانند وسعت تخیل و ادراک عمیق
دارد. زبانی که نیما بکار برده است زبان گران، پُر ابهام و بسیار دور از زبان هزار ساله
فارسی است. اگر می گوئیم که زبان نشان وحشی و نیز گران آهنگ است عجب نبود.
شعر - نما اصلاً شعر دردمندی است و این درد و رنج انسانی است به گفته نیما "مایه اصلی

شعر من، رنج است به عقیده من گوینده واقعی باید آن مایه را داشته باشد من برای رنج
خود و دیگران شعری گویم“ ۸ در قالب اوزان عروضی نیما به صورت غزل، قصیده، مثنوی
و رباعی آثار هم دارد. ولی باید گفت اگر او راه تازه ای نه گشود و به احتمال زیاد نامش
فراموش می شد. و در ادبیات فارسی شاعر فنی نمی بود.

سرانجام می توان گفت راهی که نیما تنها گامزد بعد از چند تن از گویندگان هنرمند شیوه
اش را قبول می کند. فریدون تولتی اولین کسانی است که قطعات دلپذیر به این شیوه
سرود. پس از او نادر نادر پور درین قالب شعرهای دلآویز ساخت ۹ ابتهاج (سایه)
سیاوش کسرائی، مهدی اخوان ثالث فریدون مشهدی، فروغ فرخزاد و حسن هنرمندی
گروه شاعران است که شیوه نیما را می پسندند و در دنبال وی هم رفتند.

حواشیہ

- ۱..... مجموعہ کامل اشعار نیما..... سیروس طہباز ۱۳۷۳ھ شصص... ۱۷
- ۲..... جدید فارسی شاعری..... صص... ۴۲
- ۳..... مجموعہ کامل اشعار نیما..... صص... ۳۳
- ۴..... شعرائی دورہ معاصر..... صص... ۸۱
- ۵..... جدید فارسی شاعری (اردو)..... صص... ۵۹..... فییب الرحمان
- ۶..... مجموعہ کامل اشعار..... صص... ۴۰
- ۷..... مجموعہ کامل اشعار..... صص... ۳
- ۸..... نیا ایرانی ادب..... صص... ۱۱۲..... ۱۱۳
- ۹..... سائیر روشن شعر نو پارسی..... صص... ۸۸..... تہران